

عناصر فارسی در ترکی عثمانی و کاربرد بعضی از این عناصر در ترکی استانبولی

دکتر علی گوزل یوز

عضو هیأت علمی دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه استانبول

اوایل قرن سیزدهم تا روزگار ما در مشرق و مغرب، دو زبان نوشتاری ترکی در حال تطوّر بود که به اولی، ترکی جغتایی و به دومی ترکی عثمانی گفته می‌شد. این دو زبان، در حد قابل توجهی، تحت تأثیر زبان‌های عربی و فارسی قرار گرفته بودند و در دربار و مدرسه‌ها به عنوان زبان نوشتاری به کار می‌رفتند و با زبان گفتاری مردم، متفاوت بودند.

از این دو زبان نوشتاری، زبان عثمانی، بین قرن‌های ۲۰ - ۱۳ در منطقه‌ی آناتولی و مناطق تحت حکومت عثمانی‌ها مرسوم بود و به خصوص، بعد از قرن ۱۵، زیر تأثیر زبان‌های عربی و فارسی قرار گرفت و زبانی مرکب از زبان‌های ترکی و فارسی و عربی شده و با الفبای عربی نوشته می‌شد.

ترک‌ها از قرن پنجم تا قرن بیستم به دلیل قرار گرفتن در محل برخورد دین‌ها و فرهنگ‌های مختلف، الفباهای مختلفی را به کار برده‌اند که الفبای عربی از قرن ۱۱ تا ۲۰ بیش‌تر از بقیه به کار

رفته است.

اصطلاح «عثمانی» در دوره «تنظیمات» (۱۸۷۶ - ۱۸۳۹) از طرف روشن فکران مطرح شد. قبل از این دوره، به تمامی لهجه‌های ترکی، «لسان ترکی» و یا «ترکی» می‌گفتند. در قرن نوزدهم با افزایش جنبش‌های ملی‌گرایانه، روشن فکران دوره‌ی تنظیمات، برای حفظ اتحاد سیاسی دولت عثمانی، اصطلاحی به نام «ملت عثمانی» را به وجود آوردند و زبان زنده‌ی امپراطوری عثمانی را «لسان عثمانی» و یا «عثمانی» نام دادند. دستور زبانی که «جودت پاشا» و «فؤاد پاشا» تألیف کردند، «قواعد عثمانیه» نام داشت و بعدها فؤاد پاشا لفظ «عثمانی» را حذف کرد و به جای آن کلمه‌ی «ترکی» را به کار برد و کتاب خود را «قواعد ترکیه» نام نهاد. این اسم، در بعضی از کتاب‌های دستور زبان به نام‌های «لسان عثمانی»، «صرف عثمانی»، «نحو عثمانی» و «درس‌های عثمانی» تا به امروز آمده است. لیکن کتاب‌های دستور زبانی که «سلیمان پاشا» و «شمس‌الدین سامی» نوشته‌اند، به نام‌های «علم صرف ترکی» و «اصول صرف ترکی» شناخته شده و خصوصاً به کلمه‌ی «ترکی» زیاد توجه شده است؛ ولی نویسندگان غربی، چون J. Deny و J.W. Redhouse هر دو کلمه را به کار برده‌اند.

از لحاظ تاریخی، می‌توان تطور زبان عثمانی را به ۳ دوره تقسیم کرد:

۱ - زبان عثمانی قدیم و یا ترکی آناتولی قدیم (قرن‌های ۱۵ - ۱۳):

قسمت بزرگی از ترک‌ها تا قرن ۱۵ از الفبای اویغور استفاده می‌کردند و در زبان آن‌ها کلمه‌های عربی و فارسی، زیاد وجود نداشت؛ ولی بعد از قبول اسلام، با تأثیر فرهنگ اعراب، الفبای عربی مورد استفاده قرار گرفت. از سوی دیگر، از قرن ۱۵ به بعد، به دلیل آغاز زندگی درباری در استانبول، عده‌ی زیادی از هنرمندان و دانشمندان عرب و فارس به این شهر روی آوردند و در کنار ترکی، زبان‌های عربی و فارسی نیز از سوی روشن فکران و طبقات بالا مورد قبول قرار گرفت. به ویژه، بعد از قرن ۱۵ دوره‌ی تأثیر فراوان زبان‌های فارسی و عربی در شعر، آغاز شد. در دوره‌های قبل، این تأثیر، فقط در مسایل و اصطلاحات دینی بود.

۲ - عثمانی میانه و یا عثمانی کلاسیک (قرن‌های ۱۹ - ۱۶):

در اوایل قرن شانزدهم، زبان‌های عربی و فارسی، به غیر از کلمات، از لحاظ دستور زبان نیز زبان ترکی را تحت تأثیر قرار دادند و این تأثیر تا قرن نوزدهم ادامه داشت. در اواخر قرن نوزدهم، فارسی، نه فقط در کلماتی که ریشه‌ی اسمی دارند؛ به کار رفت، بل که وارد فعل‌ها نیز شد. کلمات مرکب با ریشه‌های خارجی ساخته شد و در نوشته‌های نثر، جای جمله‌های کوتاه و ساده را جمله‌های طولانی با حرف‌های ربط فارسی و عربی گرفت. هنرمندان و ادیبان آن زمان، به جای استفاده از زبان ساده‌ی عثمانی، برای نشان دادن هنر

خود، از کلمات فارسی و عربی استفاده کردند.

۳ - عثمانی جدید (از قرن نوزدهم تا اوایل قرن بیستم):

در قرن نوزدهم تأسیس چاپ‌خانه در دولت عثمانی و چاپ مجلات و روزنامه‌ها در موضوع‌های مختلف و تلاش برای رسیدن به فرهنگ غربی، تأثیر خود را در نثر نشان داد. برای این که مردم از نوشته‌های نویسندگان، درک بیش تری داشته باشند، آن‌ها مجبور به استفاده از زبان ساده شدند. در نوشته‌ها برای اولین بار نقطه‌گذاری به کار رفت و رغبت مردم به خواندن کتاب‌های داستان و رمان‌های غربی زیاد شد. کتاب‌های دستور زبان و لغت‌نامه با تأکید بر معانی ترکی، نیز افزایش یافت. از سوی دیگر، به دلیل وجود داشتن کلمات ترکی مترادف با کلمات غربی، دوباره استفاده از کلمات فارسی و عربی شروع شد و از ریشه‌های کلمات فارسی و عربی، کلمات جدیدی پدید آمد. در اواخر این دوران، تلاش برای از بین بردن کلمات خارجی شروع شد و در سال ۱۹۲۸ با شروع انقلاب حرف (؟) سرعت بیشتری گرفت.

ترکی جدید و یا ترکی استانبولی:

از اوایل قرن بیستم به بعد، زبان ترکی، «ترکی جدید»، نام نهاده شده است. ترکی جدید، نتیجه‌ی تلاش‌هاییست که برای نزدیک کردن زبان نوشتاری عثمانی به زبان گفتاری انجام شده. بعضی از عناصر فارسی که در دوران قبل، در زبان عثمانی بوده، در حال حاضر، یا به همان صورت و یا با تغییرات جزئی در زبان ترکی جدید به کار می‌رود، به حدی که کسانی که این کلمات را به کار می‌برند، از ترکی نبودن این‌ها بی‌خبرند.

به علت این که عناصر فارسی، در زبان عثمانی، بی‌شمار است و هزارها کلمه‌ی مشترک بین آن‌ها وجود دارد، این جا برای نمونه فقط به بعضی از عناصری که در ترکی جدید به کار می‌رود، اشاره می‌کنیم:

۱. به کار بردن پسوند فارسی - «دار» در آخر کلمه‌های ترکی، عربی و یا فارسی:

Alakadar = دار + علاقه (عنايت کننده)

Emektar = امک + دار (به معنی کسی که در یک وظیفه، مدت زیادی کار کرده)

۲. به کار بردن صفت‌های ساده‌ی فارسی:

Perişan = پریشان

Serbest = (به معنی آزاد) سر + بست (از بستن)

Tembel = تنبل

Yabani = (به معنی وحشی، غیر اهلی) بیابان + ی

Yekpare = (به معنی کامل) یک پاره
 Zinde = (به معنی سر حال، باشناط) زنده
 Zor = (به معنی سخت) زور

۳. به کار بردن صفت‌های مرکب فارسی:

Gayriciddi = غیر جدی
 Gayrimenkul = غیر منقول
 Hüsnüniyet = حسن نیت
 Keşmekeş = کشمکش
 Suiistimal = سوء استعمال

۴. به کار بردن یای نسبی فارسی و عربی:

Adî = عادی
 Bedenî = بدنی
 Ebedî = ابدی
 Fanî = فانی
 Fikrî = فکری
 Maddî = مادی
 Manevî = معنوی
 Medenî = مدنی
 Siyasî = سیاسی
 Vahşî = وحشی



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
 پرتال جامع علوم انسانی

۵. به کار بردن حرف‌های ربط فارسی:

Bari = باری
 Çünkü = چون، زیرا
 Eğer = اگر
 Gerçi = اگر چه
 Güya = گویا



Hem ... hem (de) ... = ... و هم ...

Hiç = هیچ

Hoş = خوش

Ki = که

Kâh ... kâh ... = ... گاه ... گاه

۱۱۷

Meğer = مگر

Meğer ki = مگر که

Ya ... ya ... = ... و یا ...

Zira = زیرا

۶. به کار بردن کسره‌ی اضافه در آخر کلمه‌های عربی و فارسی:

Aynı = (به معنی مانند) عین

Bazi = (به معنی قسمتی، برخی) بعضی

نمونه‌ی بعضی از کلمه‌های فارسی که با تغییرات جزئی، در ترکی جدید به کار می‌رود:

معنی کلمه به فارسی	اصل کلمه	کلمه‌ی ترکی
بچه‌ی بسیار شرور	آفت جان	afacan
زمین خشک	شور + ک	Çorak
دو خط متقاطع	چپ + راست	çapraz
دودکش	باد چاه	baça
ساق پا	پاچه + ک	bacak
تیل، آدم بی کار	بر + دوش	berduş
چماق، گرز، بانوم	چوب	cop
هندوانه	خریزه	carpuz
درخت بلوط	پیشه	Meşe
دمیایی	پا + پوش (از پوشیدن)	pabuç
باد	روزگار	Rüzgar
سخت	سرد	sert
کمک کننده در کارهای بد	باری + ده (از دادن)	Yardak
بیگانه	بیابان	yaban
غنی، پولدار	سنگین	Zengin

البته در ترکی جدید، مانند این کلمه ها هزارها کلمه و ترکیب وجود دارد.

منابع:

- 1 . Franciseus a Megnien Meninski, Thesaurus Linguarum Orientalium turcaicae, Persicae, I – VI, Simurg, Istanbul 2000
- 2 . Hasan eren, Turk Dilnin Etimolijik s



شماره ۳۲ و ۳۳

۱۱۸

ویژه تعامل ادبی ایران و جهان



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی